ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
چهارشنبه • ۱۵ اسفند ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۷۷

حدیث روز

امام حسن(ع): فرومایگی این است که سپاسِ نعمت نگزاری.

تحف العقول

ذکر روز چهارشنبه

صد مرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

غرض کشف حقیقت است

استاد علی صفایی حائری درباره ویژگی تربیت صحیح معتقدند: معلم (منظور مربی یا هر کسی است که در نظر دارد به کودک چیزی بیاموزد و او را تربیت کند که شامل والدین، معلم و... می شود) به محصل صمیمانه تفهیم کند که غرض کشف حقیقت است اگرچه بر له یا علیه خود معلم یا شاگرد باشد. اظهار نظر دانش آموز را جدی بگیرد و اهمیت بدهد، اگرچه غلط باشد تا او احساس کند که هم قدرت نظر دادن دارد و هم حق آن را. شاگرد نباید احساس کند که معلم به حرف ها، حرکات و خواسته ها و زندگی او بی تفاوت است.

برگرفته از «تربیت کودک»

حکایت

هیچ نگفتم!

طایفه ای به نماز جماعت حاضر بودند. یکی از ایشان سخنی گفت، دیگری به ملامتش برخاست که سخن گفتی و نمازت باطل شد. یکی دیگر بخندید که نماز هر دو نقض یافت. دیگری گفت نماز هر سه بطلان پذیرفت چه هر سه سخن گفتید. چهارمین گفت منت خدای را که من هیچ نگفتم!

برگرفته از «پریشان» قاآنی

شعر طنز

درمان پریشانی!

سحر بهجو

آمده عید و پریشان می شوم
باز هم غمگین و گریان می شوم
راه حلش همسرم، دشوار نیست
با خرید البته درمان می شوم!

قرار مدار

اندکی صبر

ماه آرام

فتی معطوفی

در دورترین مرز جهان
دور، به هنگامه تاریک
می رفت
می رفت در آن ماه بزرگی
آرام، خاموش، پنهان ز ره خویش...

همشهری سلام!
پذیرای داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و ایده‌های یامزه و جالب شماست.
مطالب خود را در پیام‌رسان تلگرام به این شماره بفرستید:
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

دنیا به روایت تصویر

گتی ایمیج | قایق رانی در خیابان های سیل زده، ایالات متحده

گاردین | زیبایی های طبیعت

فرانس پرس | تلفیق مسابقات اسکی و اسب دوانی، کلرادو

کاریکلماتور

منتخب چی شده؟

له کردن سیگار برای برداشتن پسته!

ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه متاسفانه حذف شدن. چندتا از جمله های بانمک تر رو انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

*احتمالا شنیده فروشگاه موش یخ زده آورده، داره میره که به صف برسه!
مارکار زادوریان

*+بابااا... بدو بیا یه صف اونجاست - بدو پسرم... برای من و داداش هات صف بگیر اومدیم! **رضا عرب، روستای زوزن**

*وقتی منتظری اول برج برسه و حقوق یک و پونصدی رو لطف کنن بریزن واست، بعد داری معادلات چند مجهولی تو ذهنت حل می کنی که باهاش چه کارها می تونی بکنی! **مجید براتی**

*وقتی تیپ جالبی زدی و روی فرش قرمز داری راه میری! **فرهاد دوست علی**

*رفته بانک وام ازدواج بگیره، پرو بالش رو هم ازش گرفتن! **محمد قربانی مقدم**

*وقتی می خواهی تو عرصه تجارت معامله پایاپای کنی! **محمدرضا صدفیان**

*وقتی تغییر نرخ ارز قیمت موش نروژی رو برده بالا! **علی مختاری، نیشابور**

*وقتی داره میره ببینه اون طرف خیابون صف چی کشیدن! **یگانه خداداد پور**

*وقتی کف خانه از دور یک چیزی رو مثل پسته می بینی!
غلامرضا قلیپور، به آباد

*خانم شب شد، نمی خوای دست از خرید برداری؟ گشنه مون شد والا!
حسین سیرکنندگان

*وقتی پشت سر هم تو مسابقه «چی شده» شرکت می کنی ولی پیامت رو چاپ نمی کنن و میری حسابت رو با «زندگی سلام» صاف کنی! **علی شاهرخی**

*یک گام بلند برای رسیدن به مرغ یارانه ای! **دانیال و مبینا گرایلی**

*وقتی مردها منتظر خانم شون هستن تا برن مهمونی! **نعمت رنجبر**

*وقتی به علت گرونی گوشت، بعضی به فکر شکار پرنده ها افتادند و اونا مجبور شدن مثل آدما راه برن تا به عنوان پرنده شکار نشن! **سید حسین آروند**

*وقتی میگن توی این گرونی باید برای ازدواج پاپیش بذاری!
فائزه کهن شهری

*وقتی عید شده و همه رفتن مرخصی و تو باید تو پادگان رژه بری نگهبانی بدی!
حسین یزدانی حصاری

*گوشت گرون شده، ماهی ها کجا رفتن؟! **عباس یعقوبی**

*خانم جغد شاخ دار عزیزم، این هم آخرین سیگاری که کشیدم زیر پام له می کنم تا دیگه این قدر نگی بوی سیگار میدی! **عرفان ربیعی**

*سه، چهار... ستون دوم هم اینجا بذار اوستا، پر ایدم تا اینجا میاد. کانال کولر رو جلوی ماشین بذار، لوله بخاری رو هم این کنار! **رضا عرب، روستای زوزن**

تاپخند

- خونه تکونی تو خونه ما همیشه دقیقا از جایی شروع میشه که من نشستم دارم استراحت می کنم!
- اگه خواستین از خونه تکونی فرار کنین، اول بزنین چند تا از ظرف ها و وسایل خونه رو بشکنین، بعدش دیگه بهتون کار نمیدن... البته تضمین نمی کنم که بلایی سر خودتون نیارن!
- من اگه تو برنامه «عصر جدید» با جارو ویولن می زدم آخرش سوار جارو می شدم پرواز می کردم می رفتم!
- میگه کمپین راه انداختیم آجیل نخریم. کار بزرگی نکردی، چون بخوای هم نمی تونی بخری!
- بعضی ها دوربین عکاسی می خرن که با گوشی از خودشون و دوربین شون عکس بگیرن!
- خاطره انگیزترین رنگ تمام دوران سبز پسته ای کمرنگه، یعنی از یخچال و چرخ گوشت و آبمیوه گیری بگیر تا در و دیوار و کمد همه چی این رنگی بودن!

دور دنیا

فناوری نانو برای دید در شب موش ها

ایندپندنت- متخصصان دانشگاه علم و صنعت چین با استفاده از فناوری نانو قابلیت دیدن در محدوده مادون قرمز را برای موش ها به وجود آوردند، مانند زمانی که از عینک دید در شب استفاده می شود. پس از تزریق، موش ها شروع به دیدن نور نامرئی نزدیک محدوده مادون قرمز کردند. به گفته دانشمندان با کمک این فناوری، روزی انسان ها نیز می توانند قدرت دید قوی در شب پیدا کنند و به راحتی در تاریکی ببینند. آن ها همچنین معتقدند با گسترش دید طبیعی، این تکنیک حتی می تواند به عنوان درمان برای افرادی که کوررنگ هستند، سازگار باشد.

صخره طلایی بر لبه پرتگاه

پلنت- در ساحل جنوبی میانمار، روی صخره ای معبد «پاگودا کیا اکتیو» قرار گرفته است. این صخره با ارتفاعی حدود ۸ متر و قطر ۱۵ متر، بر لبه پرتگاهی می درخشد و در واقع جنس آن از گرانیت است که با صفحاتی از طلا پوشانده شده است و وزنی حدود ۶۱۱/۵ تن دارد. راه رسیدن به این صخره به دلیل مسیرهای کوهستانی سخت است و فقط با پای پیاده امکان پذیر است، اما این مسئله مانع بازدید گردشگران نشده است. بر اساس برخی تحقیقات، این گوی طلایی در ابتدا بخشی از کوه بوده و به مرور زمان از آن جدا شده و بدون هیچ تکیه گاهی تعادل خود را حفظ کرده است. در روزهای پربازدید سال، دسترسی از نزدیک به این صخره طلایی از طریق حصارها ممنوع می شود و حتی بازدیدکنندگان قبل از ورود، تفتیش می شوند تا ابزار تیز و برنده برای کندن طلا همراه خود نداشته باشند.

طوطی های معتاد، بلای جان کشاورزان هندی

دیلی میل- زمین های خشخاش در هند هدف حمله طوطی های معتاد به مواد مخدر قرار گرفته است! به گفته کشاورزان، دسته بزرگی از طوطی ها حدود ۳۰ تا ۴۰ بار در روز از این گیاهان تغذیه می کنند. کشاورزان مجبورند شب و روز نگهبانی دهند و با صدای بلند و عجیب آن ها را بترسانند، اما هیچ فایده ای ندارد. عجیب این جاست که پرندگان در دسته های زیاد معمولا پر سر و صدا هستند اما این طوطی ها خیلی هوشمندانه در سکوت مطلق به محصولات آسیب می زنند.

تفأل

سپهر بر شده پرویزنی است خون افشان
که ریزه اش سر کسری و تاج پرویز است
عراق و فارس گرفتی به شعر خوش حافظ
بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

از اون لحاظ

سفیدبرفی و پسر وزیر دانا

مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

سفیدبرفی دختری بود به سفیدی برف و با چشمای عسلی و روی زیبا و اصلا کیس ازدواج! بعدشم قضیه سیب و جادوگر و شاهزاده و این داستانا که خودتون بهتر از من در جریانین. اما موازی با این داستان، پادشاه یا همون پدر سفیدبرفی وزیری داشت که وزیرش پسری داشت باسواد، عاقل، کوشا، باهوش و خلاصه بسیار حرص درآر. بعد از این که شاهزاده اومد و با گفتن «سلام؛ روزتون به خیر. عرضی داشتم.» سفیدبرفی رو از خواب بیدار کرد و ناگهان عاشق هم شدن، قرار شد به زودی یه عروسی مفصل برگزار کنن و این دو گل نوشکفته به هم برسن. شما هم بزنین دست قشنگه رو به افتخارشون.

خلاصه زمان عروسی مشخص شد و همه چی رو آماده کردن. کارت دعوت که به دست پسر وزیر دانا رسید، یهو قرمز شد، سیاه شد، بنفش شد، به خواهش خواهر وسطیش صورتی شد، همه رنگا رو یه دور چرخید. مادرش اومد یه لیوان آب داد دستش و گفت: «چرا حرص می خوری پسرم؟ باز جراید تیتری، چیزی درباره وزیرزاده ها زدن؟» پسر وزیر گفت: «نه مادر من. بعد از این همه زحمتی که پدرم کشیده، تو کارت زده از کودکان دلبند شما در فرصت دیگری پذیرایی خواهد شد. دیگه چه فرصتی؟ حالا که من و خواهرام عروسی نمیریم، نمی ذارم شماها هم برین.» مادرش که می دونست پسرش از این که نتونسته با سفیدبرفی ازدواج کنه ناراحته، لبخندی زد و رفت.

به پادشاه خبر رسید که همچین اتفاقی افتاده. پادشاه و هیئت همراه رفتن در خونه وزیر و شروع کردن به دلجویی از وزیر و پسرش. پادشاه گفت: «بابا اشتباه پیش اومده. باور کنین ما می خواستیم برای بچه ها بلیت شهربازی بگیریم که به اونا هم خوش بگذره. اصلا تقصیر این ملیجک یابوئه، من کی گفتم بنویسه در فرصت دیگر پذیرایی خواهد شد؟» بعد هم یکی زد تو سر ملیجک بدبخت که اصلا سواد نداشت، چه برسه به این که بخواد کارت دعوت بنویسه.

خلاصه هر طوری بود وزیر و همسرش و پسرش و خواهرانش رو راضی کردن و اونا هم آشتی کردن. از همه بچه ها هم به خوبی پذیرایی شد و اونا هم از پنجره برای بقیه بچه هایی که دعوت نشده بودن استخون مرغ پرت کردن که در شادی شون شریک باشن. سفیدبرفی و شاهزاده هم به خیر و خوشی مزدوج شدن و سال های سال به کشورهای خارجی سفر کردن و استوری گذاشتن و چشم عوام بیچاره رو درآوردن. پسر وزیر هم با دختر وکیل ازدواج کرد و اونا هم خوشبخت شدن.

نتیجه این که اگه کسی رو دوست دارین زود پا پیش بذارین و اگه مجلس می گیرین بچه ها رو هم دعوت کنین دیگه.

یادش به خیر

سه نقطه

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

*آقای محمدپور، طنز شما درباره خانه تکانی را خواندیم و حال کردیم! تامل برانگیز بود.

*آق کمال؛ ماهی شب عیدت رو گرفتی؟!

آق کمال: از حالا؟ هم خراب مره، هم منتظرم شاید آرزون بره!

*مطلب آشنایی های قبل از ازدواج آموزنده بود. باید جوانان را آموزش داد، خام هستند. من چند مورد را می شناسم که از طریق فضای مجازی همسر انتخاب کردند و در خیابان هم را دیدند و جدا شدند!

* نوشته و تصویر مربوط به خبر فرهاد مجیدی خیلی خوب بود، ما که استقلالی هستیم کلی خندیدیم. ممنون.

آرمین و دوستان

* همسر عزیزم فرشته جان، پیشاپیش تولدت را تبریک می گویم و از خدا می خواهم حضورت در خانه و کنار من و دختران و دامادها و نوه مان همیشگی باشد.

ایرج